

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دوماه‌نامه علمی - پژوهشی، سال شانزدهم، شماره ششم، بهمن و اسفند ۱۳۹۵، ۴۱-۵۴

بررسی و نقد کتاب مجانى الشعر العربى الحديث ومدارسه براساس زبان‌شناسی کاربردی

مریم جلالی*

چکیده

متون ادبی از جمله متونی است که در حوزه آموزش زبان‌های خارجی از جمله زبان عربی طرفداران بسیاری دارد. پرواضح است که باتوجه به ماهیت و ویژگی‌های منحصر به فرد ادبیات باید میان تدریس آن و سایر متون آموزشی زبان تفاوت قائل شد. از جمله منابع آموزشی ادبیات معاصر عربی در دانشگاه‌های ایران، کتاب *مجانى الشعر العربى الحديث ومدارسه* تألیف صادق خورشاست. از آن جهت که مخاطب آثاری از این دست گویش‌وران فارسی‌اند و زبان عربی برای آنان زبان خارجی و نه زبان مادری به‌شمار می‌آید، شایسته و بایسته است که تألیف و تدریس در این زمینه بر مبنای اصول زبان‌شناسی کاربردی صورت گیرد. بنابراین، در پژوهش حاضر قصد داریم این کتاب را بر اساس مبانی این علم در حوزه تدریس ادبیات به زبان‌آموزان خارجی با روش توصیفی - تحلیلی نقد و واکاوی کنیم.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی کاربردی، آموزش زبان عربی به دانشجویان ایرانی، آموزش ادبیات معاصر عربی، *مجانى الشعر العربى الحديث ومدارسه*، صادق خورشاست.

۱. مقدمه

به دنبال پیشرفت جوامع بشری و گسترش ارتباطات بین‌المللی، احساس نیاز به زبان‌آموزی و در نتیجه آموزش زبان رشد قابل‌ملاحظه‌ای داشته است و باعث شده راه‌کارهای متعددی در زمینه شیوه‌ها و متون آموزشی مطرح شود؛ از این رو، زبان‌شناسی کاربردی

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، maryamjalaei@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۰۳

(applied linguistics) که شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است به‌منزله موضوعی مستقل به‌رسمیت شناخته شد تا مسائل مرتبط با یادگیری و آموزش زبان‌های خارجی را بررسی کند و درحکم یکی از فعال‌ترین زمینه‌های تحقیق در مطالعات زبانی شناخته شود (برای اطلاعات بیشتر درباره تاریخچه زبان‌شناسی کاربردی، بنگرید به الس ۱۳۷۲: ۴۰؛ و نیز، پول ۱۳۷۸: ۳۱۰). به‌عبارت‌دیگر، تحصیل یک زبان چنان فرایند پیچیده‌ای است که علمی مستقل باید به آن پردازد؛ هم‌چنان‌که در یادگیری آن نیز باید از همه امکانات بهره گرفت. از جمله این امکانات ادبیات زبان هدف است که باوجود مخالفت برخی از زبان‌شناسان هم‌چنان جایگاه خود را درمیان متون آموزشی حفظ کرده است.

کتاب‌های تألیف‌شده در زمینه آموزش زبان و ادبیات عربی به دانشجویان ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ با نگاهی گذرا به سرفصل دروس رشته زبان و ادبیات عربی در همه مقاطع تحصیلی، به‌ویژه دوره کارشناسی، درمی‌یابیم که متون ادبی دوره‌های مختلف تاریخی از دوران جاهلی گرفته تا صدر اسلام، اموی، عباسی اول و دوم، و سپس دوران انحطاط، و دوران معاصر و علاوه‌برآن ادبیات اندلس، ادبیات عربی در ایران، ادبیات سیاسی، ادبیات متعهد، و ... سهم قابل‌توجهی از این برنامه را به خود اختصاص داده است و مبالغه نیست اگر بگوییم آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ایران آموزشی ادبیات‌محور است.

بنابراین، در این نوشتار سعی داریم که با نگاهی نقادانه و با روش توصیفی - تحلیلی نقاط قوت و ضعف یکی از این کتاب‌ها را با عنوان *مجانی الشعر العربی الحدیث ومدارسه* براساس زبان‌شناسی کاربردی بررسی کنیم. علت این انتخاب، چنان‌که قبلاً گفته شد، حجم قابل‌توجهی است که متون ادبی در برنامه آموزشی این زبان در دانشگاه‌های ایران به خود اختصاص داده و تا حدود زیادی متأثر از برنامه گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه‌های جهان عرب است و از طرف دیگر ضعف زبانی نسبتاً فراگیری است که دامن‌گیر اکثریت قریب به اتفاق دانش‌آموختگان ایرانی در زبان عربی است؛ بنابراین، بازنگری در روش‌های تدریس ادبیات و نیز متون مورد استفاده در این زمینه ضروری به‌نظر می‌رسد. امید آن‌که در تألیفات آتی شاهد کیفیت مطلوب‌تر محتوا و در نتیجه بازدهی حداکثری یادگیری و تقویت کنش زبانی (performance) عربی‌آموزان ایرانی باشیم.

۲. پیشینه تحقیق

اگرچه ادبیات یکی از مهم‌ترین متون مورد استفاده در آموزش زبان عربی به‌گوش‌وران غیرعربی است، اما در زمینه تدریس ادبیات عربی آن‌گونه‌که باید تحقیق و پژوهش علمی و

روش مندى صورت نگرفته است؛ بنابراین، در مقاله حاضر در جهت تکمیل پژوهش‌های علمی معدود ذیل کوشیده‌ایم:

- «تدریس النصوص الأدبية لطلاب اللغة الثانية ... ملاحظات حول الصعوبات والحلول»، عبدالحكيم راضى، ۱۹۸۲-۱۹۸۳.

- «قضايا وتوجهات فى تدریس الأدب العربى»، رشدى أحمد طعيمة، ۱۹۸۲-۱۹۸۳.

- «تدریس الأدب العربى لغير الناطقين بالعربية»، أبوهشام، ۲۰۰۵.

- «الشعر فى مجال تعليم اللغة»، عارف كرخى أبوخضيرى، ۲۰۰۷.

- تبسيط النص الأدبى للقراءة الموسعة بما يتناسب مع المستويات اللغوية للناطقين بغير العربية (دراسة تطبيقية على رسالة الغفران)، طاهر محمد حبة، ۲۰۰۹.

- «رؤى لسانية فى تدریس القصة القصيرة للناطقين بغير العربية»، وليد أحمد العناتى، ۲۰۰۹.

- دراسة المدخل التواصلى فى تدریس الأدب العربى المعاصر لطلاب العربية الإيرانيين، مريم جلاى، ۱۳۹۱.

- «تدریس القصة القصيرة لمتعلمى العربية من الناطقين بغيرها فى ضوء المدخل الاتصالى»، مريم جلاى، نرگس گنجى، و سيد محمدرضا ابن الرسول، ۱۳۹۲.

- تعليم النصوص الأدبية فى أقسام اللغة العربية وآدابها بالجامعات الإيرانية ومدى تحقق أهدافه، سجاد اسماعيلى، ۱۳۹۱.

- «تعليم قواعد العربية للناطقين بغيرها فى المستوى المتقدم من خلال النصوص الشعرية»، حسين بن على الفارسى، ۲۰۱۵.

- «تحديات تدریس الأدب العربى فى الجامعات الأمريكية»، أحمد ياسر الملاح، ۲۰۱۵.

تاجايى که نگارنده اطلاع دارد، تاکنون در ایران مطالعه‌ای درباره نقد محتوای متون آموزشی در حوزه ادبیات عربی از دیدگاه زبان‌شناسی کاربردی صورت نگرفته است. شاید بتوان دلیل عمده آن را نامأنوس بودن این شاخه از زبان‌شناسی برای دست‌اندرکاران آموزش این زبان دانست. بنابراین، با تدوین این پژوهش یکی از منابع اصلی آموزش ادبیات عربی در ایران را بررسی و نقد کرده‌ایم و امیدواریم در برقراری پیوند میان این علم و آموزش ادبیات عربی سهمی هرچند ناچیز داشته باشیم. شایان ذکر است که نقدی مختصر با عنوان «نقد و بررسی کتاب *مجانى الشعر العربى الحديث و مدارسه* (مجموعه شعر معاصر عربى و مکتب‌های ادبى)» به دست کاظم عظیمی در سال ۱۳۸۱ نگاشته شده است، اما نویسنده

بخش عمده آن را به معرفی این اثر اختصاص داده و فقط نقدی مختصر را بر مبنای سلیقه‌های شخصی خویش مطرح کرده است.

۳. روش تحقیق

به منظور تدوین این پژوهش، نخست کتاب *مجانی الشعر العربی الحدیث ومدارسه* را دقیقاً مطالعه کرده، سپس، با روش توصیفی - تحلیلی نظریات علمی مطرح شده در زمینه آموزش ادبیات زبان‌های خارجی را با روش و محتوای این کتاب انطباق داده و نهایتاً آن را نقد کرده‌ایم.

۴. جایگاه ادبیات در آموزش زبان

بر کسی پوشیده نیست که ادبیات نمونه‌اعلای زبان همه ملت‌ها و زبان خود جلوه‌گاه اندیشه، آرمان، فرهنگ، تجربه، و روحیات یک جامعه است. انسان در گذر زمان از زبان برای انتقال پیام‌ها، عواطف، و اندیشه‌های خویش بهره‌جسته و از ادبیات به‌منزله وسیله‌ای برتر در انتقال بهتر، بایسته‌تر، و مؤثرتر اندیشه خود استفاده کرده است، زیرا هر اندیشه‌ای که در قالب مناسب خویش ریخته شود پایدارتر و ماندگارتر خواهد بود، اما زمانی که ادبیات به حوزه آموزش زبان راه می‌یابد، اهمیت آن بیش‌تر جلوه می‌کند، چراکه:

- ادبیات از جمله مواد اصیل و واقعی در کلاس‌های زبان به‌شمار می‌آید (لازار ۱۳۸۰: ۳۲؛ Collie and Slater 1988: 3; Ghosn 2002: 173). منظور از اصالت آن است که ادبیات اساساً به‌منظور تدریس و آموزش ایجاد نشده است، بلکه در بستر واقعی و طبیعی زندگی به‌وجود آمده و عاری از خشکی و ملالتی است که متون مصنوع آموزشی دارند؛

- ادبیات ابزار مفیدی برای تقویت توانش زبان‌آموز در به‌کارگیری اقسام دوگانه دانش زبانی (linguistic knowledge) یعنی کاربرد دستوری زبان (usage) و نیز استعمال زبان در موقعیت (use) محسوب می‌شود (Widdowson 1978: 3). از آن‌جاکه صرف توانش کاربردی دستور زبان، که در روش‌های سنتی آموزشی مورداهتمام بوده، ناقص و ناکارآمد است و به توانش و کنش ارتباطی نمی‌انجامد، بنابراین ادبیات می‌تواند تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای در درک نحوه برقراری ارتباط

به صورت ناملموس داشته باشد؛ ادبیاتی که زبان را در بافتی منسجم و طبیعی به خدمت می‌گیرد؛ زبانی که همه اجزای ارتباط میان دو طرف (فرستنده و گیرنده) در آن لحاظ و رعایت شده است؛

- ادبیات ماده‌ای غنی از فرهنگ زبان مقصد است؛ این ویژگی به خصوص در رمان، نمایش‌نامه، و داستان بسیار محسوس است (Collie and Slater 1988: 4)؛

- خوانش‌های متفاوت متون ادبی موجب مشارکت زبان‌آموز در فعالیت‌های کلاسی می‌شود، چراکه ادبیات خاصیت تفسیرپذیری دارد؛ بنابراین، هر خواننده‌ای به فراخور سلیقه و پیشینه فکری و فرهنگی خویش برداشتی مستقل از آن دارد؛

- ادبیات خاصیت برانگیختگی دارد؛ به عبارت دیگر، موجب انگیزش احساسات خواننده می‌شود (لازار ۱۳۸۰: ۳۲؛ Hall 2005: 48). ضاکال معتقد است این امر دو علت دارد: اول این که موضوعات ادبی معمولاً جهان‌شمول‌اند و با محوریت تجربه‌های عمومی انسانی کار می‌کنند و دوم این که اساساً آثار ادبی به دنبال جلب توجه خواننده است (Dhakal 2001: 111).

باتوجه به آنچه گفته شد، اهمیت گنجاندن گونه‌های مختلف ادبیات در آموزش زبان‌های خارجی انکارناپذیر است و بلکه جای تأکید دارد.

۵. معرفی اجمالی کتاب

این کتاب تألیف صادق خورشیا و از جمله کتاب‌های آموزشی رشته زبان و ادبیات عربی در مقطع کارشناسی و یکی از منابع اصلی درس «متون نظم و نثر معاصر (۱)» است که به ارزش ۲ واحد تدوین و از سوی سازمان سمت منتشر شده است. این اثر متشکل از بخش‌های ذیل است:

الإهداء، علی‌هامش العنوان «أحاسیس و مشاعر»، دیباجة و توطئة، دراسات نقدیة و مباحث أدبیة بلاغیة حول الشعر، المدارس الأدبیة فی الأدب العربی، تمهید، مدرسة الإحیاء (البعث)، المدرسة الرومانسیة، المدرسة الواقعیة، المدرسة الرمزیة، قصیدة النثر، تدریبات تطبیقیة ونماذج أسئلة محوریة، والمصادر و المراجع.

باتوجه به فهرست ارائه‌شده، به‌طور کلی می‌توان گفت در آغاز کتاب مطالبی درباب نقد و مباحث ادبی و بلاغی در حوزه شعر فراهم آمده و در پی آن برخی شاعران و نویسندگان برجسته معاصر عرب به اختصار، همراه با نمونه‌ای از آثار، معرفی شده‌اند.

۶. بررسی و نقد کتاب

به‌منظور نقد کتب و متون درسی ناگزیر باید نقاط قوت و ضعف آن بیان شود؛ با همین رویکرد و در جهت اعتلای اثر نگاشته‌شده در ذیل در سه زمینه (محتوا، روش آموزشی، و تمرین‌های آموزشی) ویژگی‌های مثبت سپس نقایص و کاستی‌های کتاب موردنظر را بررسی خواهیم کرد.

۱.۶ محتوا

این کتاب، هم‌چنان‌که از عنوان آن هم برمی‌آید، صرفاً شعر معاصر عربی را تدریس کرده است، البته چنان‌که در مقدمه نیز متذکر شدیم در دانشگاه‌های ایران از میان گونه‌های مختلف ادبی، شعر در تدریس ادبیات عربی عصرهای مختلف، از دوران جاهلی تا دوران معاصر، جایگاه ویژه‌ای داشته است؛ تاجایی‌که برخی از مدرسان صرفاً به تدریس این گونه ادبی می‌پردازند. شعر از دیدگاه زبان‌شناسی کاربردی و در چهارچوب برنامه‌های آموزشی زبان‌های خارجی امتیازاتی دارد که شاید پرداختن به بخشی از آن در این پژوهش مختصر خالی از لطف نباشد. امتیازاتی که در واقع می‌توان آن را از نقاط قوت کتاب موردبررسی برشمرد.

پژوهش‌گران بر این باورند که شعر قدیمی‌ترین گونه ادبی است که انسان آن را به‌کار بسته و درعین‌حال قدیمی‌ترین نوع ادبی به‌کاررفته در آموزش زبان است. برای نمونه، عرب‌ها پیش از قرن اول شعر را در آموزش زبان عربی به‌کار می‌بردند (ابوخصیری ۲۰۰۷: ۱۳۰)، البته کاربرد شعر در تدریس زبان‌های خارجی با مخالفت‌ها و موافقت‌های بسیاری روبه‌رو بوده است؛ تاجایی‌که گروهی از زبان‌شناسان گنجاندن آن را در برنامه‌های آموزش زبان خارجی به‌شدت نهی می‌کنند؛ به این دلیل که شعر برخی از هنجارهای زبان معیار را در هم می‌شکند و در نتیجه روند آموزش زبان را دشوار می‌سازد، اما سوزان رامساران در مقاله خود با عنوان «Poetry in the Language Classroom» به کاربرد شعر در کلاس درس به‌منظور پیشرفت زبانی آموزندگان می‌پردازد و به شش مورد از هنجارشکنی‌های زبانی در شعر اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: هنجارشکنی آوایی (phonological deviation)، هنجارشکنی واژگانی (lexical deviation)، هنجارشکنی صرفی (syntactic deviation)، هنجارشکنی معنایی (semantic deviation)، هنجارشکنی خطی (graph logical deviation)، و هنجارشکنی سبکی (stylistic deviation). رامساران در مقاله

خود به صورت مبسوط این موارد را بررسی کرده و راه کارهایی را برای استفاده از این هنجارشکنی‌ها در تقویت کنش زبانی مخاطبان ارائه کرده است که در این مختصر مجالی برای بیان آن نیست (Ramsaran 1983: 36-43). علاوه بر آنچه گفته شد، شعر ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که درنگ در آن میزان اهمیت آن را در آموزش زبان‌های خارجی نشان می‌دهد. این ویژگی‌ها را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- آشنایی زبان‌آموز با کاربردهای مختلف و بعضاً غیرمتعارف زبان؛
- تجسم اندیشه‌ها و احساسات موجود در متن در ذهن و قلب زبان‌آموز؛
- آشنایی زبان‌آموز با گونه‌های مختلف گفتمان از قبیل تشبیه، استعاره، طنز، تشخیص (جان‌بخشی)، تصویر، و ... که در زبان روزمره نیز به کار می‌روند (Hişmanoğlu 2005: 61).

بنابراین، انتخاب شعر از میان گونه‌های مختلف ادبیات از سوی مؤلف می‌تواند در پیش‌برد اهداف آموزشی مذکور مؤثر باشد.

بدیهی است که ادبیات آینه‌ای است که فرهنگ جامعه زبانی خود را منعکس می‌کند؛ بنابراین، ادبیات عربی، به‌ویژه ادبیات دوران معاصر، می‌تواند ابزاری در جهت آشنایی زبان‌آموز ایرانی با فرهنگ و آداب و رسوم جامعه عرب باشد، چراکه شناساندن فرهنگ و عادات جامعه زبان‌موردیادگیری یکی از اهداف آموزش است. پرواضح است که:

کسب دانش زبانی برای ایجاد ارتباط لازم است، اما کافی نیست. زبان‌آموز باید به توانش فرهنگی - اجتماعی جامعه زبان دوم/ خارجی نیز مجهز شود. باور به این است که زبان‌آموزان همان راه‌ورسم زندگی اجتماعی خود را بر مبنای ایجاد ارتباط قرار می‌دهند و چون راه‌ورسم زندگی جوامع گوناگون متفاوت است، این تفاوت می‌تواند موجب سوء تفاهم شود (ضیاءحسینی ۱۳۸۵: ۱۸۹).

بنابراین، برای رفع سوء تفاهم‌های احتمالی و آشنایی دقیق و کامل با فرهنگ عربی شایسته بود مؤلف اشعاری را برگزیند که منعکس‌کننده گوشه‌ای از فرهنگ عربی باشد تا برای بحث و گفت‌وگو درباره فرهنگ، سنت‌ها، و آداب و رسوم گویش‌وران عربی و نیز مقایسه و تطبیق فرهنگ‌های موجود در هر دو جامعه (جامعه ایرانی و جامعه عرب) زمینه‌ای مناسب فراهم شود.

به نظر می‌رسد ذکر همه نکات بلاغی و ویژگی‌های زبانی و ادبی سروده‌های منتخب ضروری نباشد، بلکه اشاره‌ای اجمالی به پاره‌ای از نکات برای زبان‌آموزان سودمندتر به نظر

می‌رسد؛ از این جهت که در تدریس ادبیات عربی به گویش‌وران فارسی و عربی بایست تمایزی جدی قائل شد. آنچه در تدریس این متون به دانشجویان ایرانی در اولویت قرار دارد توانش زبانی است.

۲.۶ روش آموزشی

شاید بتوان اشکال عمده کتاب *مجانى الشعر العربى الحديث ومدارسه* را روش نادرست آموزش بدانیم. چنان‌که نویسنده در دیباچه کتاب (ص ۴) نیز تصریح کرده است در بررسی متون ادبی گزینش شده نخست زندگی‌نامه شاعر و سپس مناسبت شعر آورده شده، سپس به شرح کلمات دشوار و بیان محورهای اساسی متن و نهایتاً به شرح ابیات پرداخته شده است. طبق نظرسنجی‌ای که بویل (Boyle) آن را برای ارزیابی تدریس شعر در آموزش زبان انجام داده است به این نتیجه رسیده که فقط ۶٪ زبان‌آموزان از خواندن شعر لذت می‌برند و این درحالی است که ۷۳٪ آن را سخت‌ترین نوع ادبی می‌دانند (رضایزدی ۱۳۸۰: ۳۳) که بی‌شک دلایل بسیاری در این امر دخالت دارند. خطیب علت اصلی این امر را شیوه‌های غلط آموزش شعر می‌داند که مبتنی بر روش‌های تقلیدی است، زیرا این روش‌ها زبان‌آموز را ظرفی خالی می‌پندارند که معلم آن را با اطلاعاتی درباره زندگی‌نامه شاعر، ویژگی‌های ادبی، باورهای سیاسی و فلسفی وی، رخدادهای تاریخی عصرش، اسطوره‌های مطرح‌شده در شعر، انواع زیبایی‌های ادبی، و ... پر می‌کند (خطیب ۲۰۰۰: ۳۳). در کتاب مدنظر نیز چنین به‌نظر می‌رسد که نویسنده در پی آن است که اطلاعاتی کلی را در اختیار زبان‌آموزان قرار دهد و در این زمینه آموزش را از نکات مرتبط با علم نقد و ویژگی‌های بلاغی مربوط به آن شروع می‌کند. سپس، به شرح و توضیح پاره‌ای از مباحث بلاغی روی می‌آورد و پس از معرفی مکتب‌های ادبی عصر نهضت و ویژگی‌های آن بخشی را به بیان زندگی‌نامه شاعران این مکتب‌ها اختصاص داده است.

البته شایان ذکر است که اگر مخاطبان این کتاب دانشجویان عربی‌زبان بودند، بدون‌شک این نقد نادرست می‌نمود، چراکه باید میان تدریس ادبیات عربی به گویش‌وران عربی (ادبیات به‌منظور مطالعه / *literature for study*) و گویش‌وران غیرعربی (ادبیات به‌منزله منبعی آموزشی / *literature as a resource*) تفاوت قائل شد. در کاربرد ادبیات برای مطالعه هدف آن است که دانشجو در علوم ادبی تخصص یابد؛ بنابراین، به مسائلی چون تاریخ ادبیات، ویژگی جنبش‌های ادبی، پیشینه اجتماعی و تاریخی و

سیاسی متن، گونه‌های ادبی، و علوم بلاغی پرداخته می‌شود (لازار ۱۳۸۰: ۴۴)، اما در تدریس ادبیات به‌منزله ابزار و منبع آموزش متون ادبی به‌منظور تقویت توانش (linguistic competence) و در نتیجه کنش زبانی (linguistic performance) مخاطبان در مهارت‌های چهارگانه زبانی به‌کار می‌رود. این کاربرد از طرف بسیاری از متخصصان زبان‌شناسی کاربردی مورد توجه قرار گرفته است.

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان تفاوت میان تدریس ادبیات عربی به‌گوش‌وران عربی و غیرعربی را دریافت. دانشجویان عرب خواهان کسب تخصص در ادبیات‌اند، حال آن‌که برای دانشجوی غیرعرب آنچه در اولویت است بهبود کنش زبانی و ارتباطی است تا بتواند با گوش‌وران عربی ارتباط مؤثر برقرار کند. بنابراین، بایسته است هدف عمده مدرسان و دانشجویان ایرانی از مطالعه ادبیات عربی، به‌ویژه در دوره کارشناسی، عمل‌گرا (pragmatic) باشد که البته زیباشناسی ادبیات هم می‌تواند کنار آن لحاظ شود (العناتی ۲۰۰۹: ۷۵-۷۶).

به‌منظور رفع مشکل آموزش شعر برای مخاطبان غیربومی، زبان‌شناسان روشی زبان‌محور را پیش‌نهاد کرده‌اند، چراکه ادبیات نزدیک‌ترین متن به زبان است. در این روش زبان‌آموز می‌تواند با بیان نظرهای خویش در حین خواندن متن کلاس درس را به محیطی فعال تبدیل کند (رضایزدی ۱۳۸۰: ۳۳).

لازار نیز اظهار می‌دارد که طرف‌داران این شیوه به کاربرد شعر به‌منزله ابزاری برای آموزش زبان تأکید می‌کنند و اهمیت چندانی برای بررسی صرف ادبیات قائل نیستند (۱۳۸۰: ۱۴۶). هم‌چنین، ضیاء‌حسینی تدریس شعر را به‌منزله ابزاری برای آموزش زبان بررسی و چنین خاطر نشان می‌کند: برای مثال می‌توانیم هنجارشکنی نحوی شعر را در کلاس مطرح کنیم و از زبان‌آموزان بخواهیم قواعد زبانی را که قبلاً آموخته‌اند در این زمینه پیاده کنند و بخواهیم بیت‌های شعری را به جمله‌هایی مطابق با زبان خارجی معیار برگردانند. او هم‌چنین بر این باور است که انحراف واژگان از زبان معیار و ترکیب‌های نامتعارف در زبان به‌ویژه استعاره‌ها و رمزهای فراوانی که در شعر وجود دارند موضوع جدیدی برای مناقشه و گفت‌وگو در کلاس درس‌اند که زبان‌آموزان در بیان معانی واژگان آشکار و مبهم از آن بهره می‌جویند (۱۳۸۵: ۱۳۷-۱۳۸). بی‌شک چنین تمرین‌هایی موجب غنای کلاس ادبیات می‌شود و آن را از محیطی یک‌نواخت و ملالت‌بار به محیطی زبان‌محور تبدیل می‌کند که زبان‌آموز می‌کوشد به‌منظور فهم و تفهیم در کلاس با دیگران ارتباط برقرار کند.

۳.۶ تمرین‌های آموزشی

آوردن نمونه‌های شعری شاعران هر مکتب از سوی مؤلف کار شایسته‌ای است، اما بهتر آن است که نویسنده به بیان صرف معنی کلمات، و بازگونکردن ریشه لغوی کلمات، یا راه‌نمایی نکردن زبان‌آموز به فرهنگ لغت‌های عربی و شرح‌های شاعر اکتفا نمی‌کند، بلکه تمرین‌هایی در جهت تقویت توانش زبانی دانشجویان نیز ارائه می‌داد (Sioufi 2007; Gajdusek 1988). به عبارت دیگر، یکی از معایب اساسی این کتاب آن است که به فعالیت‌های تکلیف‌مدار و ایفای نقش، که باعث خلق فضایی نزدیک به فضای گویش‌وران و شرایط واقعی کاربرد زبان می‌شود، توجهی نشده است. درحالی‌که مسلم است که این‌گونه فعالیت‌ها باعث یادگیری عمیق‌تر زبان می‌شوند. وی فقط در پایان کتاب سؤالاتی برای زبان‌آموزان ارائه کرده است که از خلال متن‌ها انتخاب شده‌اند. در صورتی‌که اگر پرسش‌هایی از این قبیل چه از داخل متن و چه از خارج آن بلافاصله پس از تمام‌شدن هر مبحث یا هر فصل می‌آمد، کارایی بیش‌تری داشت. در نقد روش مذکور باید خاطر نشان کرد که اکثر متخصصان آموزش زبان بر آن‌اند که تقویت توانش زبانی زمانی صورت می‌گیرد که میان زبان‌آموز با معلم و هم‌کلاسی‌های خود در زبان هدف و درضمن متون آموزشی، همراه با فعالیت‌های آموزشی، ارتباط مفید و مؤثر شکل بگیرد (Gajdusek 1988). از آن‌جاکه این کتاب بر شعر تمرکز دارد و این‌گونه ادبی و به‌طور کلی ادبیات اصیل‌ترین متن هر زبانی است، پس می‌توان به وسیله آن رابطه‌ای را میان زبان‌آموزان و مدرس برقرار کرد.

تمرین‌های آموزشی که اهمیت آن بر نویسنده نیز پوشیده نبوده از جایگاه حائز اهمیتی برخوردارند؛ بنابراین، طراحی آن بایستی روش‌مند و هدف‌مند باشد.

با تأملی که نویسنده این مقاله در منابع تئوری آموزش زبان‌های خارجی درباره طراحی تمرین‌های درسی در حوزه متون ادبی داشته، به این جمع‌بندی رسیده است که این تمرین‌ها باید طی سه مرحله ارائه شوند؛

- فعالیت‌های پیش از خواندن؛
- فعالیت‌های در حین خواندن؛
- فعالیت‌های پس از خواندن.

گاجداسک (Gajdusek) زبان‌شناس معروف در حوزه آموزش ادبیات در مقاله خود با عنوان «Toward Wider Use of Literature in ESL: Why and How» اظهار می‌دارد که چنان‌که

هدف از آموزش ادبیات تقویت توانش زبانی و در نتیجه توانش ارتباطی زبان‌آموزان باشد، بایسته است برای فعالیت‌های زبانی قبل از خواندن وقت کافی در نظر بگیریم تا زبان‌آموز درگیر فرآیند آموزش و یادگیری شود. بنابراین، برای تحقق اهداف مهمی چون تشویق زبان‌آموز برای کشف معنای کلمات ناآشنا از بافت سخن، یادگیری کلمات مهم، و نیز تقویت مهارت درک کاربرد سایر کلمات به وقت کافی نیازمندیم (ibid.: 234-235).

از آن‌جاکه خواندن مهارتی فعال و دوسویه است، فعالیت‌های پیش از خواندن بسیار حائز اهمیت است، زیرا که خواننده از قبل اطلاعاتی را درباره متن موردنظر براساس زبان مادری و نیز جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند در ذهن دارد که در فرآیند خوانش متن دخالت می‌کند و از سوی دیگر هر متنی اطلاعاتی را به مخاطب منتقل می‌کند. این اطلاعات پیشین خواننده اهمیت بسیاری در فهم صحیح متن دارد. از این رو، معلم می‌بایست این اطلاعات نهفته ذهنی زبان‌آموز را با فعالیت‌های پیش از خواندن بیدار کند. این امر باعث می‌شود که نگرانی زبان‌آموز از مواجهه با کلمات و عبارات نامأنوس کاسته شود و از طرفی با طرح سؤالاتی مرتبط با متن ذهن وی در پی کاوش و جست‌وجوی پاسخ شود (ضیاءحسینی ۱۳۸۵). بنابراین، شرح تمامی واژه‌های نامأنوس در کتاب و تمامی ابیات با بیان جزئیات بلاغی و ادبی از ایجاد ارتباط پویا بین زبان‌آموز، متن، مدرس، و هم‌کلاسی‌ها ممانعت می‌کند یا آن را به حداقل می‌رساند، البته نویسنده محترم خود در دیباچه تصریح کرده است که در طراحی سؤالات مندرج در پایان کتاب هدف آزمودن توانش نقدی و ادبی مخاطب بوده است. بنابراین، به نظر می‌رسد توانش زبانی اصلاً مدنظر وی نبوده یا حداقل اهمیت چندانی نداشته است. چنان‌که قبلاً هم گفتیم، علت امر آن است که متأسفانه تمایزی میان ادبیات به‌منظور مطالعه و ادبیات به‌منزله منبعی آموزشی قائل نمی‌شویم.

قسمت دیگر فعالیت‌هایی که موجب تقویت توانش زبانی می‌شود فعالیت‌های درحین خواندن است که کاملاً در این کتاب مورد غفلت قرار گرفته است. منظور از این نوع فعالیت همان سؤالاتی است که در انگلیسی به سؤالات wh معروف‌اند (چه کسی / who، کی / when، کجا / where، چرا / why، و ...) (Erkaya 2005: 5; Gajdusek 1988: 238-255; Sioufi 2007: 30-37).

و نیز می‌توان در فعالیت‌های درحین خواندن سؤالاتی درباره موضوع شعر، سبک شاعر، و ... را مطرح کرد تا فضای تعامل و مشارکت مثبت بین مدرس و مخاطبان فراهم شود و در نتیجه توانش زبانی آنان تقویت شود.

فعالیت‌های پس از خواندن که در پایان کتاب با عنوان «تدریبات تطبیقیه و نماذج أسئلة محوریة» در صفحات ۲۳۴-۲۴۱ آورده شده‌اند نیز مورد نقد است، چراکه این نوع تمرین‌ها شایسته است به ماورای متن پردازد و از زبان‌آموز پاسخ‌های ابداعی بطلبد نه این‌که صرفاً بر حافظه تأکید داشته باشد (6: Erkaya 2005; 251-253: Gajdusek 1988).

۷. نتیجه‌گیری

اهمیت کتاب در امر آموزش به‌طور عام و به‌ویژه در آموزش زبان خارجی بر هیچ‌کس پوشیده نیست؛ بنابراین، بررسی و نقد آن در جهت رفع کاستی‌های کتاب تأثیر مستقیمی در بازدهی مطلوب آموزش دارد.

از آن‌جاکه تاکنون پژوهش منسجمی درباره نقد و بررسی کتاب‌های آموزش ادبیات عربی به گویش‌وران فارسی صورت نگرفته است، در این مقاله کوشیده‌ایم با بررسی کتاب *مجانى الشعر العربى الحديث ومدارسه* این مهم را تا حدودی به‌انجام رسانیم.

در بررسی حاضر به نتایجی دست یافتیم که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- اساسی‌ترین نقد وارد بر کتاب مورد بررسی آن است که مؤلف میان تدریس ادبیات عربی به مخاطبان گویش‌ور عربی و فارسی تمایز قائل نشده است و به تبع آن گزینش متون، نحوه شرح، و طرح سؤالات پایان متن نیز با رویکرد تقویت صرف توانش ادبی صورت گرفته است؛

- گزینش متون و حوزه واژگان منطبق با اصول علمی تألیف کتاب‌های آموزش ادبیات به زبان‌آموزان خارجی نیست؛

- قسمت اعظم تلاش مؤلف به ایجاد توانش ادبی زبان‌آموزان صرف شده و به توانش زبانی و ارتباطی بی‌توجهی شده است؛ در صورتی که باتوجه به این‌که زبان مادری مخاطبان زبان فارسی است و نه زبان عربی، این امر ایجاب می‌کند که تألیف در حوزه متون ادبی برای این گروه با اولویت تقویت توانش و در نتیجه کنش زبانی و ارتباطی و سپس ادبی باشد. به عبارت دیگر، این کتاب ادبیات‌محور است نه زبان‌محور.

باتوجه به نقایص مذکور، پیش‌نهادهایی برای رفع آن‌ها و بهبود محتوایی این‌گونه کتاب‌ها در خلال مقاله ارائه شده است. امید آن‌که در تألیفات آینده مورد استفاده دست‌اندرکاران امر قرار گیرد.

کتابنامه

- أبوخضيرى، عارف كرخى (٢٠٠٧)، «الشعر فى مجال تعليم اللغة»، المؤتمر الدولى: *إسهامات اللغة والأدب فى البناء الحضارى للأمة الإسلامية*، ج ٢، ماليزيا: الجامعة الإسلامية العالمية.
- أبو هشام (٢٠٠٥)، «تدريس الأدب العربى لغير الناطقين بالعربية»، متوفر فى العنوان التالى:
<<http://www.mojat.com/modules.php?name=Content&pa=showpage&pid=13#1X3>>.
- إسماعيلى، سجاد (١٣٩١)، *تعليم النصوص الأدبية فى أقسام اللغة العربية وآدابها بالجامعات الإيرانية ومدى تحقق أهدافه*، رسالة ماجستير غير منشورة، جامعة تربيت مدرس.
- پول، جورج (١٣٧٨)، *بررسى زبان*، ترجمة محمد نورمحمدى، تهران: راهنما.
- جلائى، مريم (١٣٩١)، *دراسة المدخل التوصلى فى تدريس الأدب العربى المعاصر لطلاب العربية الإيرانية*، أطروحة دكتوراه غير منشورة، جامعة أصفهان.
- جلائى، مريم، نرگس گنجى، و سيد محمدرضا ابن الرسول (١٣٩١)، «تدريس القصة القصيرة لتعلمى العربية من الناطقين بغيرها فى ضوء المدخل الاتصالى»، *مجلة لسان مبین*، جامعة قزوين الدولية، العدد ١٠.
- حبقة، طاهر محمد (٢٠٠٩)، *تبسيط النص الأدبى للقراءة الموسّعة بما يتناسب مع المستويات اللغوية للناطقين بغير العربية (دراسة تطبيقية على رسالة الغفران)*، رسالة ماجستير غير منشورة، جامعة الدول العربية، المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم، معهد الخرطوم الدولى للغة العربية.
- خورشا، صادق (١٣٨١)، *مجانى الشعر العربى الحديث ومدارسه*، تهران: سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انسانى دانشگاهها (سمت).
- راضى، عبدالحكيم (١٩٨٢-١٩٨٣)، «تدريس النصوص الأدبية لطلاب اللغة الثانية ... ملاحظات حول الصعوبات والحلول»، المملكة العربية السعودية، جامعة أم القرى، *مجلة معهد اللغة العربية*، العدد ١.
- رضايزدى، مريم (١٣٨٠)، *استفاده از متن های ادبى برائى آموزش زبان فارسى به غير فارسى زبانان*، پایان نامه کارشناسى ارشد، تهران: دانشگاه شهيد بهشتى.
- الس، ثؤوان و ديگران (١٣٧٢)، *زبان شناسى كاربردى (يادگيرى و آموزش زبان هاى خارجى)*، ترجمة محمود الياسى، مشهد: معاونت فرهنگى آستان قدس رضوى.
- ضياء حسيني، محمد (١٣٨٥)، *روش تدريس زبان فارسى به فارسى آموزان خارجى*، تهران: سخن.
- طعيمة، رشدى أحمد (١٩٨٢-١٩٨٣)، «قضايا وتوجهات فى تدريس الأدب العربى»، المملكة العربية السعودية، جامعة أم القرى، *مجلة معهد اللغة العربية*، العدد ١.
- عظيمى، كاظم (١٣٨٤)، «نقد و بررسى كتاب *مجانى الشعر العربى الحديث ومدارسه* (مجموعه شعر معاصر عربى و مكتب هاى ادبى)»، *سخن سمت*، ش ١٥.
- العناتى، وليد أحمد (٢٠٠٩)، «رؤى لسانية فى تدريس القصة القصيرة للناطقين بغير العربية»، *مجلة جامعة النجاح للأبحاث*، العدد ٢٣ (١).

الفارسی، حسین بن علی (٢٠١٥)، «تعلیم قواعد العربیة للناطقین بغيرها فی المستوى المتقدم من خلال النصوص الشعریة»، المؤتمر الدولي الرابع للغة العربیة، دبی، المجلد ٥.
لازار، گیلان، (١٣٨٠)، ادبیات و آموزش زبان، ترجمه محمد غضنفری، تهران: سمت.
الملاح، أحمد یاسر (٢٠١٥)، «تحديات تدريس الأدب العربی فی الجامعات الأمريكية»، المؤتمر الدولي الرابع للغة العربیة، دبی، المجلد ١٠.

- Collie, J. and S. Slater (1988). *Literature and Language Teaching*, Oxford: Oxford University Press.
- Dhaka, Dubi Nanda (2001), "Value of Literature in Language Teaching", *Journal of NELTA*, Vol. 16, No. 1.
- Erkaya, Odilea Rocha (2005), "Benefits of Using Short Stories in the EFL Context", Online Submission, *Asian EFL Journal*, Vol. 8.
- Gajdusek, L. (1988), "Toward Wider Use of Literature in ESL: Why and How", *TESOL Quarterly*, 22(2).
- Ghosn, I. (2002), "Four Good Reasons to Use Literature in Primary School ELT", *ELT Journal*, 56(2).
- Hişmanoğlu, Murat (2005), "Teaching English Through Literature", *Journal of Language and Linguistic Studies*, Vol. 1, No. 1.
- Ramsaran, Susan (1983), "Poetry in the Language Classroom", *ELT Journal*, Vol. 37/1.
- Sioufi, Mayssa (2007), "L'utilisation de «La Nouvelle» en Classe de Langue", *Damascus University Journal*, Vol. 23, No. 2.